

# حقیقت

شماره دوم  
چهارشنبه ۲۰ آذرماه ۹۲

نشریه روزانه هفتمین جشنواره بین المللی فیلم مستند ایران - سینما حقیقت

Felestin & Sepideh Theaters  
Tehran 10-17 Dec 2013  
The 7<sup>th</sup> CINEMA VERITE Iran International Documentary Film Festival



کات CUT +

پرونده | بررسی فیلم های  
امروز | مستند اجتماعی جشنواره هفتم

Genre Classification  
Boundaries Should  
Be Crossed

مرزها را  
می شکنم

گفت و گو با فسر و سینایی، درباره مرز بندی سینمای مستند و داستانی

Interview with Khosrow Sinai about Boundaries between Documentary & Fictional Film



06

خارج از محدوده

مصطفی رزاق کریمی  
از کیفیت فیلم های مستند  
این دوره جشنواره می گوید

استقبال غافلگیر کننده  
در روز اول

گزارشی از  
متن و حاشیه روز نخست  
جشنواره هفتم فیلم مستند حقیقت

02

روایتی از زندگی  
چه گوارای ایران

گفت و گو با  
محسن استاد علی  
کارگردان مستند «جاده نمناک»

سیدمجتبی هاشمی یکی از مشهورترین  
شهدای معروف به شهدای «ترور» است.  
شهیدی که در ظاهر شباهت عجیبی به  
ارنستو چه گوارا، انقلابی بزرگ و مطرح  
امریکای جنوبی دارد. محسن استاد علی  
کارگردان سی و یک ساله تهرانی در مستند  
«جاده نمناک» به سراغ روایت زندگی این  
شهید رفته است.

13

## لزوم حمایت از مستندسازان فلاق



مصطفی آل احمد / داور جشنواره

در چند سال اخیر عدم حمایت از فیلمسازهای مستند باعث شده با وجود آنکه با حجم زیادی از آثار مواجه هستیم اما خروجی چندان خوبی از آنها نداشته باشیم. به نظرم یکی از مهمترین مشکلات، بی‌توجهی بخش‌ها و نهادهای دولتی مانند صدا و سیما، وزارت ارشاد و... برای ساخت فیلم مستند است. با این حال در میان خیل عظیم آثار ارسال شده به جشنواره، به نسبت آثار شاخصی هم دیده می‌شود، اما متأسفانه تعداد آن‌ها چندان بالا و چشمگیر نیست. در ۸ سال اخیر با توجه به نوع سیاست‌های موجود، بیشتر آثار جنبه سفارشی داشتند. می‌شود گفت که بین فیلمسازها طبقه بندی‌های خاصی انجام شده بود و با توجه به این طبقه بندی‌ها، اجازه یا فرصت ساخت فیلم داده می‌شد. تمام این عوامل دست به دست هم داده تا به عنوان مثال در همین بخش مستند نتوانیم شاهد آثار چندان خوبی باشیم. با تمام این اوصاف اما باید بگویم وجود جشنواره همیشه مثبت است. هرچند تعداد جشنواره‌هایی از این دست، چندان زیاد نیست؛ اما باید تلاش کنیم کارکرد همین جشنواره‌های موجود را هم به سمتی ببریم که خروجی‌های خوبی از آن‌ها به دست آوریم و فیلمسازهایی را به جامعه و دنیای فیلمسازی معرفی کنیم که حرف‌ها برای گفتن داشته باشند. از طرف دیگر باید زمینه را طوری فراهم کنیم که مستندسازان با ایده و خلاق، امکانات لازم را برای ساخت و نمایش آثارشان داشته باشند.

### An Urgent Need for Supporting Creative Filmmakers

In recent years, although we've been faced with a large number of films, we could not have a satisfying output due to the lack of support for documentary filmmakers. Though there are only a few festivals alike, we should make an attempt to conduct these existing festivals in a way through which we can achieve satisfying results in the end and introduce a number of filmmakers to the society and the world of filmmaking.

■ Mostafa Al-e-Ahmad

## ساده و خودمانی

مشنواره هفتم سینما حقیقت روز گذشته در فضایی دوستانه و بدون تعارفات مرسوم با حضور گسترده علاقه‌مندان آغاز به کار کرد



هنوز عقربه‌های ساعت روی عدد یازده نرسیده بود که اطراف سینما فلسطین پر شد از عاشقان سینمای مستند. دیروز هنرمندان، مسئولان و اصحاب رسانه در سینما فلسطین دور هم جمع شدند تا مراسم آغازین جشنواره سینما حقیقت را جشن بگیرند. جشنی ساده و خودمانی بدون تعارفات مرسوم. برپاکنندگان جشنواره هفتم این‌طور صلاح دیدند که به جای مراسمی تکراری، جشنی ساده تدارک ببینند. این تصمیم به مذاق خیلی‌ها خوش آمد، چرا که در پاسخ به سوال ما درباره کیفیت برگزاری مراسم همگی ابراز رضایت می‌کردند. این دوره همی صمیمانه فرصت خوبی بود تا میهمانان جشنواره دیداری تازه کنند و از احوال همدیگر جويا شوند. در مراسم آغازین خبری از سخنرانی نبود. بر عکس بحث‌های جالبی درباره جشنواره حقیقت و این روزهای سینمای مستند رد و بدل شد. اهالی رسانه که معمولاً از افتتاحیه‌های پر سخنرانی و کلیشه‌ای انتقاد می‌کنند هم تقریباً شوکه شده بودند به طوری که شیوه برپایی افتتاحیه را برگ برنده آن و اتفاقی بی‌نظیر دانستند. حتی تیتراهای شان را با مضمون افتتاحیه متفاوت جشنواره هفتم انتخاب کردند و روی خروجی قرار دادند. بعد هم که کام‌ها شیرین شد و احوال‌پرسی‌ها به پایان رسید، جشنواره هفتم که امسال شعار «حقیقت بهترین راهنما است» را بر پیشانی دارد، با نمایش فیلم «لطفاً با لبخند وارد شوید» به کارگردانی رضا عباسی رسماً آغاز شد.

## کمپین جهانی برای نجات پاکو

حمایت شرکت‌کنندگان مشنواره سینما حقیقت برای نجات دانشجوی اسپانیایی



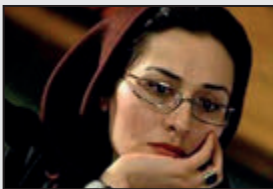
مستند آمریکایی «فردا تسلیم شو» که با نام «مردی بدون آینده» در جشنواره آکران شد هم از فیلم‌های مورد توجه روز اول بود. این مستند به کارگردانی مایکل کولینز، ماجرای دانشجوی ۱۹ ساله اسپانیایی - فیلیپینی است که در جریان دزدیده شدن دو خواهر، در حالی که ۳۵۰ مایل دورتر در دانشگاه بوده، توسط پلیس دستگیر و به اعدام محکوم می‌شود. این پرونده هم‌اکنون در مرحله تجدیدنظر است. با ساخت و نمایش این مستند کمپینی جهانی برای نجات پاکو از زندان برپا شده که با آکران آن در جشنواره سینما حقیقت، پای آن کمپین به ایران هم باز شد. حالا مردم ایران زمین هم نگران آینده پاکو هستند و برای آزادی یک جوان بی‌گناه از زندان با جهانیان هم‌پیمان شده‌اند.

گفته‌ها



دکتر احمد ضابطی‌مه‌رمی

فیلم‌های مستند واقعیت‌های جهان را به خیال ما می‌آورند، در حالی که فیلم‌های داستانی و غیرمستند فانتزی و تخیل را واقعیت جلوه می‌دهند و من شیوه اول را برتر می‌دانم، چرا که تماشاگر براساس واقعیت، برنامه یا فیلمی را می‌بیند که زبان ملموس و باورپذیر دارد و این فیلم با ارائه اسناد، مخاطب را مجاب می‌کند در عین حال، به جعل واقعیت نمی‌پردازد و سعی دارد به آن وفادار بماند. اینجاست که مقوله اخلاق در مستند مطرح می‌شود.



پربوش نظریه

در فیلم مستند داستانی، موضوع مستند است و ساختار کار هم باید مستند روایت شود. به عبارت دیگر فیلمساز باید به این نکته توجه کند که ساختار فیلم، لحن مستندگونه خود را از دست ندهد؛ اما در جمع آثاری که ما در این جشنواره دیدیم، فیلم‌هایی وجود داشت که موضوعی واقعی داشتند، اما به شکل داستانی روایت شده بودند؛ درحالی که به اعتقاد من، باید ساختار فیلم‌های مستند داستانی به شکل مستند روایت شود.



هادی آفریده

فکر می‌کنم مدیریت این دوره قانونمندتر از دوره‌های پیش باشد. تا الان مدیریت جدید روی وعده‌هایش ایستاده و این قابل تقدیر است، همچنین محمدمهدی طباطبایی‌نژاد، مدیر سینما مستند سابقه مدیریتی روشن دارد و به بدنه فرهنگی سینما نزدیک است. امید دارم مدیریت جدید سینما مستند را ارتقا ببخشد، ضمن اینکه به مستندسازان وعده داده‌اند که تولیدات از نظر کیفی به درجه خوبی خواهد رسید.



آقای ماتریکس میهمان ویژه جشنواره

در کنار فیلم‌های جذابی که امروز در سینماهای فلسطین و سوسپیده به نمایش در می‌آیند، پیشنهاد می‌کنیم مستند «پهلوه به پهلوه» با اجرای ستاره مطرح سینمای جهان «کیانو ریوز» را هم از دست ندهید. این مستند جذاب و آموزنده درباره پدیده خارق‌العاده دیجیتال و تحولات شگرف ناشی از آن است که جمعی از بزرگترین فیلمسازان و مدیران فیلمبرداری جهان درباره آن صحبت کرده‌اند. این مستند بلند که «مارتین اسکورسیزی» تماشای آن را به همه دوستداران سینما توصیه کرده است، در سال ۲۰۱۳ میلادی توسط «گریس کینالی» کارگردانی شده است. در این فیلم، «کیانو ریوز» سیر ورود و تحول دوربین‌های دیجیتال را در هالیوود و سینمای جهان، در گفت‌وگو با مارتین اسکورسیزی، رابرت رودریگز، مایکل چیمینو، جرج لوکاس، دنی بویل، کریستوفر نولان، و مدیران فیلمبرداری مشهوری چون ویتور یواستوارو، مایکل چپمن، ویلموش زیگموند و... بازگو می‌کند. «پهلوه به پهلوه» ساعت ۱۶ امروز، در سالن شماره ۱ سینما فلسطین به نمایش در می‌آید.

نمایش بهترین‌ها برای جنوبی‌ها



جشنواره سینما حقیقت از ۲۶ تا ۲۸ آذر در سینما نفت‌آبادان برگزار می‌شود. در این برنامه فیلم‌های ایرانی و خارجی نامزد دریافت جایزه از جشنواره بین‌المللی سینماحقیقت نمایش داده می‌شوند. یک هیات داور از هنرمندان محلی هم این آثار منتخب را بازبینی کرده و در آیین اختتامیه جشنواره سینما حقیقت در آبادان، به ۵ مستندساز برگزیده، تندیس جشنواره، لوح تقدیر و هدیه نقدی اهدا می‌شود. در کنار نمایش فیلم‌های مستند برگزیده، در این مراسم از ناصر تقوایی، فیلمساز مطرح آبادانی هم تقدیر می‌شود. البته یک هفته پیش از برگزاری این مراسم در آبادان، در روز جمعه ۲۲ آذر هم بزرگداشتی برای این کارگردان مطرح سینما برگزار می‌شود. این برنامه از ساعت ۲۰ تا ۲۱:۳۰ در سینما فلسطین تهران برپا می‌شود و از ۲۰ مستندساز جنوب کشور هم تقدیر به عمل می‌آید.

اولین کارگاه جشنواره هفتم



کارگاه آموزشی «تئوری جدید در باره انسان‌شناسی تصویری» امروز در دو نوبت صبح و بعدازظهر در موسسه فرهنگی و هنری صبا برگزار می‌شود. از ساعت ۱۰ تا ۱۳، مایکل اپتیس در این کارگاه درباره این تئوری برای شرکت‌کنندگان صحبت می‌کند و استاد کارگاه ساعت ۱۴ تا ۱۷ هم دکتر احمد الستی خواهد بود. از روز اول آذر، فراخوان شرکت در این کارگاه از طریق سایت مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی منتشر شده بود و داوطلبان علاقه‌مند به شرکت در آن به صورت اینترنتی ثبت‌نام کرده بودند. نکته قابل توجه اینجاست که سه روز بعد از انتشار فراخوان، به دلیل استقبال بالای علاقه‌مندان به شرکت در این کارگاه، ظرفیت پر شد. کارگاه آموزشی «تئوری جدید در باره انسان‌شناسی تصویری» اولین کارگاه هفتمین جشنواره سینما حقیقت است.

فردا در نشریه روزانه می‌فوانید

07

کاور استوری

گفت و گوی  
علی‌مصلح حیدرزاده  
بافراه‌ورهرام



10

سینمای ایران

بررسی فیلم‌های  
«آخرین روزهای زمستان»  
و «حاج کاظم»



06

گفت و گو

محمد آفریده  
عضو هیات  
انتخاب جشنواره



فردا در نشریه CUT: بررسی سینمای مستند آسیا به بهانه مروری بر سینمای هند در جشنواره هفتم



## و «حقیقت» آغاز شد

روز اول هفتمین جشنواره سینمای حقیقت، با حاشیه‌ها و اتفاق‌های جالبی رو به رو بود

کیما شلاباف - امدرضا غنی

درست است که جشنواره امسال، مراسم افتتاحیه رسمی نداشت اما گردهمایی مستندسازان سینمایی، گپ‌وگفت میان آنها، مراسم پذیرایی و ... جذابیت زیادی برای روز اول ایجاد کرده بود. از همه اینها گذشته، استقبال فراوان و پر شدن سالن سینما فلسطین از تماشاگر، از دیگر نکات جذاب و غافلگیرکننده مراسم بود. گزارشی از اتفاق‌ها و حواشی روز اول را بخوانید.

### الفبای سیاست و سه‌رئیس جمهور خبرساز

فیلم مستند «الفبای سیاست» که در روز اول جشنواره، در یک سانس و تنها برای یکبار پخش شد، برخلاف ۵ سال اخیر عمرش که در توقیف به سر برده بود، این بار دارای تبلیغات خوبی بود. هم در راه‌پله‌های سینما فلسطین استندهای تبلیغی این فیلم وجود داشت و هم دست‌اندرکاران، افراد را به تماشای این فیلم تشویق می‌کردند. همچنین جلوی در ورودی سینما هم تراکتی نصب شده بود که ساعت نمایش این فیلم را

اطلاع می‌داد. مستند الفبای سیاست، یکی از اتفاقات ویژه روز اول جشنواره بود که طرفداران زیادی داشت و در طول مدت نمایش فیلم، سالن شماره ۳ سینما فلسطین تقریباً پر شده بود. موضوع این مستند که آن را محمدرضا اکبری، درباره سه رئیس‌جمهور خبرساز معاصر، محمود احمدی‌نژاد، هُوگو چاوز و جرج بوش است. در برنامه اکران این مستند فیلمسازان مطرحی حاضر بودند که درباره آن اظهار نظر کردند. محمدمهدی طباطبایی‌نژاد دبیر جشنواره در این باره گفت: «الفبای سیاست» با لحنی شوخ‌طبعانه درباره سیاست و سیاست‌مداران صحبت می‌کند،

چرا که اگر فیلم‌های سیاسی لحنی جدی داشته باشند، آنچنان که باید برای مخاطب جذابیت ندارند» علیرضا داودنژاد که یکی از تماشاگران این مستند بود، پس از پایان فیلم نظرش را این‌طور بیان کرد: «این فیلم راقبلاً یکبار دیده بودم و حیرت کردم که چرا تا به حال فرصت نمایش پیدا نکرده است، در حالی که در بخشی از این فیلم هجو خشونت رami بینیم». مهدی نادری هم گفت: «الفبای سیاست» یکی از درخشان‌ترین فیلم‌ها در بخش فیلم‌های سیاسی است و ظرفیت انتقادپذیری (سیاستمداران) رami سنجده»

### امیدواری برای جبران نقص

فرشاد افشین‌پور یکی از مستندسازان عرصه محیط‌زیست است که روز اول، برای مراسم افتتاحیه و تماشای فیلم به سینما فلسطین آمده بود. او سومین سال پیاپی است که با یک فیلم در جشنواره حضور پیدا می‌کند و امسال با مستند «پرندگان در سرزمین برف و آفتاب» به جشنواره آمده. درباره حال‌وهوای جشنواره و فیلم مستند با او گپ می‌زنیم. افشین‌پور می‌گوید: «حوزه مستند به‌خصوص مستند محیط‌زیست، هنوز جای کار و پیشرفت زیادی دارد، اما فیلمسازان این عرصه باید جدی‌تر کار کنند و همچنین مدیران هم باید نگاه ویژه‌تری به این بخش داشته باشند». او می‌گوید: «متأسفانه سینمای مستند از بسیاری امکانات و ابزارهای سینمای داستانی بی‌بهره است، اما مدیران و کارفرمایان می‌توانند این نقص را جبران کنند»



## یک سمینار یک جزیره، یک کتاب

مراسم رونمایی از کتاب جشنواره سینما حقیقت با عنوان «سینمای تجربی» برگزار شد

در حاشیه روز نخست برگزاری جشنواره سینما حقیقت، مراسم رونمایی از کتاب «سینمای تجربی» که به اهتمام کرم‌رضا خزائی تهیه شده بود، برگزار شد. مجری این مراسم حمیده کیهان بود و دکتر حمید دهقانپور، استاد دانشگاه هنر و محمدرضا باباگلی، منتقد سینما به عنوان مهمانان در این مراسم حضور داشتند.

### اولین جرقه شکل‌گیری کتاب

جلسه با صحبت‌های مجری و ابلاغ پیام حجت‌اله ایوبی، رییس سازمان سینمایی آغاز شد و سپس تریبون در اختیار حمید دهقانپور قرار گرفت. دهقانپور توضیح داد که آذر سال گذشته اولین جشنواره فیلم تجربی در جزیره ابوموسی برگزار شده و از افرادی که با سینمای تجربی آشنایی داشتند دعوت شد تا در آن شرکت کنند. به گفته او به محض حضور این افراد در جزیره و تشکیل کمیته‌های مختلف، بحث‌های کارشناسی شروع شده و در دو نوبت صبح و عصر، به مدت حدود ۸ ساعت در روز بحث‌های کارشناسی مختلف صورت می‌گرفته و حالا محصل تمام صحبت‌ها تبدیل به یک کتابی شده که در جلسه رونمایی از آن هستیم!

### نقد کتاب

پس از دهقانپور میکروفون در اختیار محمدرضا باباگلی، منتقد سینما قرار گرفت. باباگلی توضیح داد که سینمای تجربی به معنای تجربه اندوختن و تمرین کردن نیست. قرار نیست که در این سینما، فیلمساز تازه فیلم ساختن را امتحان و کسب تجربه کند. او بعد از تشکر از مدیریت قبلی سازمان، شروع به نقد کتاب کرد.

### دلیل انتخاب ابوموسی برای جشنواره

در میانه جلسه حمیده کیهان از حاضران خواست تا اگر سوالی دارند، آن را مطرح کنند و جهانگیر الماسی به عنوان تنها کسی که سوال داشت، میکروفون را به دست گرفت. او ابتدا وجود چنین فضاهایی را که می‌شود در آنها درباره سینما و سینمای تجربی بحث و تبادل نظر کرد، به فال نیک گرفت، آن را بحثی آکادمیک دانست و سپس گفت که مطرح شدن چنین نقدهایی برای یک جلسه رونمایی از کتاب زیاد است و از مهمانان برنامه دعوت کرد تا خود کتاب را بیشتر معرفی کنند و سپس از مهمانان برنامه سوال کرد که به چه دلیل جشنواره در جزیره ابوموسی برگزار شده. دهقانپور در پاسخ الماسی گفت که به عقیده او جشنواره نیاز داشته تا در جایی برگزار شود که مهجور است و مانند خود سینمای تجربی کم دیده شده و ابوموسی از این حیث انتخاب خوبی بوده. او البته اضافه کرد که دلیل انتخاب ابوموسی از جانب مدیران مرکز گسترش را نمی‌داند و صرفاً نظر خود را بیان کرده. در نهایت این مراسم که از ساعت ۱۸ آغاز شده بود، در ساعت ۱۹:۳۰ دقیقه، در میان تشویق حضار و همچنین اهدای کتاب «سینمای تجربی» به حاضرین در سالن به پایان رسید.

## And the Truth Began; The Beginning of a Documentary Truth

Although there was no opening ceremony for this year's festival, the gathering of documentary filmmakers, their friendly conversations and discussions, etc. added to the attraction of the 1st day of the 7th Cinema Verite Festival. "The Alphabet of Politics" was finally shown publicly after five years of suspension. This film, directed by Mohammad Reza Akbari and warmly received by the audience, is about three contemporary presidents of the world. Alireza Davoudnejad, filmmaker, was among those who came to watch this controversial film. Farshad Afshinpour is also documentary filmmaker, attending the festival for third time. As he makes his film based on environmental theme, he emphasized on the lack of necessary tools and facilities in order to make such genre of documentaries. Altogether, the festival had an energetic beginning by the presence of attendees, numerous cameras and media reporters competing with each other to interview with well-know faces in the 1st day.



کرده و بازی را تماشا می‌کردند.

### غرفه‌هایی برای اهالی رسانه

در طبقه آخر ساختمان سینما فلسطین که سالن‌های شماره ۲ و ۳ قرار دارد، غرفه‌های کافه رادیو، اینترنت، سایت سینما تجربی، روابط عمومی و ستاد خبری و Press TV هم روبه‌روی در سالن‌ها برپا شده‌اند. خبرنگاران رسانه‌های مختلف در این غرفه‌ها مشغول به کار هستند و آماده‌اند تا تمامی اتفاقات و حواشی جشنواره را پوشش دهند. غرفه‌هایی که همین امروز صبح پیش از شروع اولین نمایش با سرعت، برپا شدند.

### تبلیغ محصولات غذایی

برگزاری جشنواره فیلم مستند، فرصت خوبی هم برای شرکت‌های مختلف بود تا از این فرصت استفاده کرده و محصولات غذایی‌شان را تبلیغ کنند. در گوشه و کنار لابی سینما فلسطین استندهای شرکت‌های مختلف بود که کارمندان‌شان با آمیوه، نسکافه، قهوه و ... از حاضران در سینما پذیرایی و محصول شرکت خود را تبلیغ می‌کردند.

### سبقت برای مصاحبه با چهره‌ها

علاوه بر حضور افراد و تماشاگران در روز اول جشنواره، تعدد دوربین‌های عکسبرداری و فیلمبرداری رسانه‌های مختلف نیز چشمگیر بود. برنامه «هفت»، «باشگاه خبرنگاران»، «پرس تی‌وی»، «شبکه خبر»، «آی فیلم» و ... از جمله رسانه‌های تصویری بودند که دوربین‌هایشان در لابی سینما فلسطین دیده می‌شد. طبعاً خبرنگارهای این شبکه‌ها هم هر از گاهی در حال سبقت گرفتن از یکدیگر برای مصاحبه با چهره‌های مختلف رویت می‌شدند.

### تماشای بازی استقلال و کاسپین

در روز اول جشنواره، تقریباً لحظه‌ای نبود که لابی سینما فلسطین خالی از جمعیت باشد. این امر حاکی از استقبال خوب از جشنواره بود. جمعیت حاضر در سالن، بعضاً اتفاقات جالبی را نیز رقم می‌زدند. از جمله اینکه بعد از ظهر که جمعیت منتظر شروع نمایش فیلم‌ها و همچنین برگزاری مراسم رونمایی از کتاب بودند، در تلویزیون LCD لابی سینما، بازی فوتبال استقلال و کاسپین پخش می‌شد که جمعیت برای تماشای بازی در فاصله شروع فیلم، در یک طرف سالن تجمع

فیلم مستند «الفبای سیاست» که در روز اول جشنواره، در یک سانس و تنها برای یکبار پخش شد، برخلاف ۵ سال اخیر عمرش که در توقیف به سر برده بود

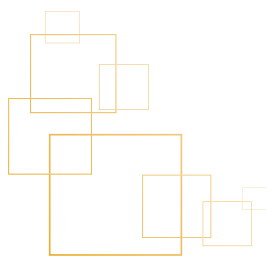


## We Need More Innovation

Mostafa Razagh Karimi has been a member of the Selection Committee in the Political-Economical Section in this year's festival. He tells us interesting points about the quality of the works sent for the 7th 'Cinema Verite' Festival. He believes that our filmmakers should be more innovative, but on the whole he is very hopeful about this festival, especially in the Political Section. "There are many films that they are only acceptable as an experience for a young filmmaker who is fond of making film in this field", Razagh Karimi said.

# خارج از محدوده

روایت مصطفی رزاق کریمی، عضو هیئت انتخاب بخش سیاسی - اقتصادی جشنواره از کیفیت فیلم‌های مستند این دوره



### رضا مقدم

r.moghadam@alumni.ut.ac.ir

مصطفی رزاق کریمی را پی‌گیران سینما با فیلم‌های بلند داستانی از جمله حس پنهان می‌شناسند اما این فیلمساز در ساخت مستند هم تجربه‌های موفقی دارد. از او در جشنواره امسال مستند تحسین شده «خاطراتی برای تمام فصول» به نمایش در می‌آید. گفته‌های رزاق کریمی، عضو هیئت انتخاب بخش سیاسی - اقتصادی درباره کیفیت آثار رسیده به این بخش را در ادامه می‌خوانید.

**سطح کیفی آثار جشنواره امسال را چگونه دیدید؟**  
 به نظر من، در کل شاهد اتفاق‌های خوبی هستیم. در بخش سیاسی آثار از کیفیت بالایی برخوردار بودند، اما در بخش اقتصادی شاهد تحول چشمگیری نبودیم.  
**راجع به شکل داور و روند انتخاب فیلم‌های برگزیده کمی توضیح می‌دهید؟**

به طور کلی نگاه من به فیلم‌ها به همان عنوان جشنواره برمی‌گردد. عنوان جشنواره چیست؟ کدام حقیقت؟ مهره گمشده‌ها همین بود. حالا چه در زمینه اقتصاد و چه در زمینه سیاست و جنگ. فیلم‌هایی را برگزیدیم که به دنبال یافتن این گمشده بودند. باقی همکاران هم همین رویکرد را داشتند و از این بابت با هم همسو و هم‌نظر بودیم.

**مشکل خاصی در داور و چنین جشنواره‌هایی نمی‌بینید؟**

اتفاقاً من مشکلات جدی برای داور و چنین جشنواره‌هایی دارم. برخی فیلم‌ها بدون آنکه طبقه‌بندی شده باشند وارد جشنواره می‌شوند و حقیقتاً ضایع می‌شود. کارگردان دلشکسته می‌شود که چرا فیلمش انتخاب نشده است و بسیاری مسائل دیگر. اعتقاد دارم داوران باید تنها بر مبنای موضوع خاص جشنواره داور و داور کنند. بعضاً می‌بینم برخی از داوران دغدغه‌های شخصی‌شان را در قضاوت لحاظ می‌کنند؛ اینکه فلان کارگردان چقدر بودجه از بهمان نهاد برای ساختش گرفته است و دیگری چقدر؟ اینها اصلاً نباید برای داور اهمیت داشته باشد. مهم نیست که فیلمی با یک چراغ ساخته شده است یا ده تا، با ریل یا بدون ریل. محتوای فیلم دارای اهمیت است. یک بار یاد می‌آید یکی از داورها می‌گفت من فیلم فلان کارگردان را حاضر نیستم ببینم. خوب اگر با این آدم مشکل دارید بروید و خارج از اینجا همدیگر

را کتک بزنید، اما مسائل و دغدغه‌های شخصی را نباید در قضاوت دخیل کنید.  
**آیا آثار دریافتی‌ای که به شما ارائه شد منطبق با عنوان بخش شما بود؟**  
 بله. کاملاً.

**انتخاب فیلم‌های بخش مسابقه برایتان دشوار بود؟ منظورم این است که فاصله فیلم‌ها به لحاظ کیفی آن قدر به هم نزدیک نبود که شما را در انتخاب نهایی دچار مشکل کند؟**

خیر. فاصله فیلم‌هایی که انتخاب شدند با بقی فیلم‌ها زیاد بود. بسیاری از فیلم‌ها بودند که به عنوان تجربه برای جوانی که دوست دارد تازه در این حوزه تجربه کند، خوب بود، اما برای شرکت در جشنواره، نه. هر چند فیلم‌هایی می‌توانند با الفبای اولیه ساخت فیلم تهیه شده باشند، اما فیلم‌های خوبی باشند.

**پس زمینه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اوضاع و احوال امروز کشورمان در فیلم‌ها مشاهده می‌شود یا اینکه فیلم‌ها در بستری انگار منتزع از این شرایط ساخته شده‌اند؟**

فیلم‌های بخش ما که موضوع اجتماعی نداشت، اما در بخش اقتصاد باید بگویم هر چند این فیلم‌ها در داخل کشور می‌توانند موضوعیت بسیاری داشته باشند اما به حد مطلوب نرسیده‌اند و فقیرند. هنوز تعریف جامع و درستی از فیلم‌های اقتصادی و البته صنعتی نداریم. چیزی که در اروپا از دهه ۶۰ آغاز شده است. هر ساله بسیاری فیلم‌های گردن کلفت صنعتی ساخته می‌شود و در سمینارهای مختلف راجع به آنها حرف زده می‌شود. ارائه فیلم‌ها در اینجا میان یک‌جور تجربه و گزارشگری معلق مانده است. معلوم نیست راوی دارند یا

نه؟ آموزشی هستند یا نیستند؟ قصد دارند کلان‌نگر باشند یا جزئی‌نگر؟ ما در بخش سیاسی و اقتصادی کلاً ضعف و نقصان‌های جدی داریم. انگار مستندسازان تنها می‌خواهند گزارشی را به ثبت برسانند. اگر بناست مثلاً جایی آتش بگیرد یا زلزله‌ای اتفاق بیفتد و مستندساز هم تنها آن را ثبت کند، به چه درد می‌خورد؟ خوب اخبار هم که همین را می‌تواند نشان دهد. گاهی هم اصلاً مستندساز از این فیلم‌های ضبط‌شده برای ساخت کارش استفاده می‌کند که فی‌نفسه ایرادی ندارد؛ اما معمولاً ملغمه‌ای است از همان سردرگمی برآمده از ماندن میان گزارش و تجربه. از بابتی ما باید محدوده خودمان را در ساخت فیلم‌هایمان مشخص کنیم. چند وقت پیش، از من خواستند در جایی راجع به فیلم «مهاجرت پرنده‌ها» صحبت کنم. نرفتم. این فیلم ربطی به ما ندارد. ما فیلمسازهای خوبی خصوصاً در نسل جوان داریم که باید ظرفیت‌های خودشان را بشناسند و فکرشان را ارائه دهند و به تصویر بکشند. نه کاری به پیشکسوتان داشته باشند و نه به فکر نبرد با آنها باشند.

**در بخش سیاسی، محدودیتی سر راه فیلمسازان وجود ندارد؟ آیا آن‌ها می‌توانند بدون هیچ‌گونه خودسانسوری دست به ساخت فیلم بزنند و از هر چه دلشان می‌خواهد بگویند؟**

من خودم موضوع سیاسی کار کرده‌ام، اما سیاست‌مداران فیلم ناساخته‌ام؛ فیلمی راجع به مجروحان شیمیایی اعزامی به کشور اتریش به عنوان «خاطراتی برای تمام فصول». در همان زمان اعزام مجروحان به وین تصویری گرفته بودم که دو سال قبل فیلمش را ساختم. خوب موضوع سیاسی است، اما با یک دید کاملاً انسانی. این نگاهی بود که من داشتم، به راحتی کار کردم و هیچ مشکلی هم پیش نیامد. اما اظهار نظر بیشتر در این باره بماند به عهده کارگردان‌هایی که در حوزه سیاسی کار می‌کنند. درباره فیلم‌های این جشنواره باید بگویم که گمان نمی‌کنم مشکل خاصی بر سر راه سازندگان باشد و آن‌ها را تحت فشار قرار داده باشد. در ضمن، هدف از ساخت مستند سیاسی صرفاً جنجال درست کردن نیست و بیش از آن شناخت ساختار و تسلط بر موضوع اهمیت دارد.

فیلمشناسی

**خسرو سینایی**

متولد ۱۳۱۹.....  
تحصیلات... مهندسی ماشین‌های سنگین  
کارگردانی سینما و فیلمنامه  
نویسی از آکادمی هنرهای  
نمایشی وین  
و...

**فیلم‌های مستند**

آن سوی هیاهو ..... ۱۳۴۸  
شرح حال ..... ۱۳۴۸  
سردی آهن ..... ۱۳۴۹  
بادگیرهای ایران ..... ۱۳۴۹  
حاج مصور الملکی ..... ۱۳۵۰  
حسین یاوری ..... ۱۳۵۲  
مرثیه گمشده ..... ۱۳۴۹

**فیلم‌های داستانی**

هیولای درون ..... ۱۳۶۲  
یار در خانه ..... ۱۳۶۶  
در کوچه‌های عشق ..... ۱۳۶۹  
در کوچه پاییز ..... ۱۳۷۶  
عروس آتش ..... ۱۳۷۸  
عبور از نمی‌دانم ..... ۱۳۸۱  
گفت‌وگو با سایه ..... ۱۳۸۴  
مثل یک قصه ..... ۱۳۸۵



افتخارات

**کوچه پاییز**

کتاب زرین بهترین فیلم ویدئویی از  
جشنواره بیست‌وهشتم رشد

**آن سوی هیاهو**

دیپلم افتخار بهترین فیلم از جشنواره  
کودک و نوجوان  
جایزه شهر فرنگ از آرشیو فیلم ایران

**هیولای درون**

لوخ زرین بهترین کارگردانی از جشنواره  
دوم فیلم فجر

**عروس آتش**

سیمرغ بلورین بهترین فیلمنامه از  
جشنواره هجدهم فیلم فجر  
جایزه ویژه هیات داوران سی و پنجمین  
جشنواره کارلوی واری

**مرثیه گمشده**

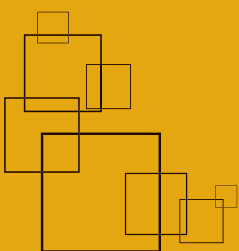
نشان «صلیب شوالیه جمهوری لهستان»  
از رئیس‌جمهور کشور لهستان  
نشان «افتخارات آرتیست» از وزارت  
فرهنگ و ارشاد لهستان



# مردی از کوچه‌های عشق

زاویه دید

خسرو سینایی در سینمای ایران از محترم‌ترین نام‌هاست. فیلمساز هنرمندی که در بیش از ۴۵ سال فیلمسازی هرگز از شیوه شخصی خود دست نکشید و تسلیم نیازهای بازار نشد. او اگرچه در حوزه سینمای داستانی آثار خوب کم ندارد (عروس آتش، هیولای درون، یار در خانه، در کوچه‌های عشق و...) اما حتی در این آثار نیز دلمشغولی‌های ویژه‌اش به پرداخت مستند و واقع‌گرایانه مشهود است. فیلم‌های مشهور او عموماً در مرز مستند و درام حرکت می‌کنند و از ساختاری منحصربه‌فرد سود می‌برند که به مهر سینمای سینایی بدل شده است. جالب است بدانید که او به عنوان یک فارغ‌التحصیل موسیقی از وین، موسیقی بسیاری از فیلم‌هایش را نیز خودش ساخته است. پرونده او در سینمای مستند نیز با برخی از شاخص‌ترین آثار تاریخ مستند ایران پر بار شده است. مثل مرثیه گمشده و حاج مصور الملکی.



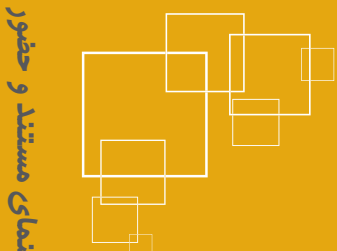
## Genre Classification Boundaries Should Be Crossed in Cinema

**K**hosrow Sinai is one of the most respected names in Iranian Cinema; A filmmaker and artist who never gave up on his own personal method and also never yielded to market needs during his 40 years of filmmaking. Although he has made a considerable number of fictional films, his strong passion for realistic and documentary filmmaking is clearly evident even in these works. His famous works move on the border of documentary and drama. It is interesting to know that as a graduate of Vienna University in Music, he composed the theme music for many of his own films. In his professional background, you can see some of his films as the most prominent works of Iran's documentary film history. In an exclusive interview, Khosrow Sinai talked about the overall atmosphere and ambience of documentary film and the importance of research in this field.



اتفاقاً بد نیست که با تریشن فیلم را پیش برد اما باید جایگاه فیلم را بشناسید، باید تریشن هوشمندانه باشد، فرض کنید در فیلمی صدای روی تصویر بگیرد «من در سال ۱۳۱۹ در شهر بروچرد متولد شدم» فرق این با جمله «او در سال ۱۳۱۹ در شهر بروچرد متولد شد» در کتاب چیست؟ مخاطب با این جمله چه برداشت اضافه‌ای نسبت به کتاب می‌کند؟ بهتر نیست بدون تریشن و با تصویر نشان دهید که «او در سال ۱۳۱۹ در خانه‌ای در کوچه فلان در شهر بروچرد متولد شد. خانه‌ای که بالای در

همین‌طور است، از نظر من فیلم‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند، یا خوب هستند یا بد، هر داستانی می‌تواند متکی بر یک ماجرای واقعی باشد، فقط نوع برداشت آن ممکن است متفاوت باشد، اگر فیلمساز فقط مجری باشد و کارهای سفارشی بسازد که هیچ، اما اگر اجرا کار باشد باید تصمیم درستی درباره نوع و قالب، به نسبت سوز و محتوا بگیرد، باید بفهمد سوره‌اش را بهتر است در قالب مستند بسازد یا داستانی، بسیاری از فیلم‌های من به عنوان مستند معروف است اما من آن تعریف را قبول ندارم و فکر می‌کنم



## موز سینمای مستند و داستانی را می‌شکنم

گفت‌وگویی نیرما حسینی نسی، منتقد سینما با خسرو سینایی درباره سینمای مستند و حضور



خسرو سینایی از مطرح‌ترین و مهمترین مستندسازان ایران است هرچند که به قول خودش شرایط فیلمسازی در سال‌هایی که کارش را شروع کرده او را به ناچار به این سمت سوق داد. نیما حسینی‌نسب منتقد سینما، برای انجام این گفت‌وگو رویه‌روی او نشست. حرف‌هایی که در این نشست ردوبدل شد نکات ریز و درشت بسیاری داشت برای همین این گفت‌وگو یک‌ساعت‌ونیم به طول انجامید، اما متأسفانه به دلیل کم بودن فضا تنها بخشی از آن را در ادامه می‌خوانید. فضای مستندسازی، علاقه‌مندی سینایی به مهاجران لهستانی و مرزناپذیری سینما عتا‌وینی است که نیما حسینی‌نسب در این گفت‌وگو مطرح کرده.

نداشتیم.

■ یعنی بیشتر از اینکه به فیلم مستند تعلق خاطر داشته باشید، شرايط این نوع سینما را به شما تحمیل کرد؟  
 نمی‌توانم بگویم. تحمیل چون هرچند جز ساخت فیلم مستند کار دیگری نمی‌توانستم بکنم؛ اما همان سال‌ها کارهای فیلم‌های موفق‌تری از آب درآمدند. فیلم مستند «آن سوی ماهو» را در سال ۱۳۴۲ ساختیم. در آن زمان که اکثر کارگردان‌ها فیلم‌های تجاری می‌ساختند من موقعیت خوبی برای شروع کار داشتم. در نهایت به عنوان مستندساز شناخته شدم ولی در نظر بگیرد که قسمتی از کارنامه کاری من فراموش شده؛ اینکه من از ۱۳۴۹ تا یک سال بعد از انقلاب حدود ۳۰ فیلم داستانی از ۳ تا ۵۳ دقیقه ساختم که بیشتر آن‌ها برای العجم اولیا و مریان بود. حتی چند تا از آن‌ها در جشنواره‌های مختلف جایزه گرفتند، اما محلی برای ارائه مناسب آن فیلم‌ها وجود نداشت و بیشتر در جلسات اولیا و مریان مدارس کشور نمایش داده می‌شد. نهایتاً اینطور نبود که به سینمای مستند علاقه نداشته باشیم. در واقع من برای خودم محرومیت کاری تعیین نکردم. نمی‌خواهم بگویم یا مستندسازم یا داستانی‌ساز. کلاً با این مرزبندی‌ها زیاد موافق نیستم.

■ اتفاقاً در بیشتر فیلم‌هایت‌ها هم این مرزها را شکسته‌اید.  
 نه! یعنی بیشتر از آنکه به فیلم مستند تعلق خاطر داشته باشید، شرایط این نوع سینما را به شما تحمیل کرد؟  
 نمی‌توانم بگویم. تحمیل چون هرچند جز ساخت فیلم مستند کار دیگری نمی‌توانستم بکنم؛ اما همان سال‌ها کارهای فیلم‌های موفق‌تری از آب درآمدند. فیلم مستند «آن سوی ماهو» را در سال ۱۳۴۲ ساختیم. در آن زمان که اکثر کارگردان‌ها فیلم‌های تجاری می‌ساختند من موقعیت خوبی برای شروع کار داشتم. در نهایت به عنوان مستندساز شناخته شدم ولی در نظر بگیرد که قسمتی از کارنامه کاری من فراموش شده؛ اینکه من از ۱۳۴۹ تا یک سال بعد از انقلاب حدود ۳۰ فیلم داستانی از ۳ تا ۵۳ دقیقه ساختم که بیشتر آن‌ها برای العجم اولیا و مریان بود. حتی چند تا از آن‌ها در جشنواره‌های مختلف جایزه گرفتند، اما محلی برای ارائه مناسب آن فیلم‌ها وجود نداشت و بیشتر در جلسات اولیا و مریان مدارس کشور نمایش داده می‌شد. نهایتاً اینطور نبود که به سینمای مستند علاقه نداشته باشیم. در واقع من برای خودم محرومیت کاری تعیین نکردم. نمی‌خواهم بگویم یا مستندسازم یا داستانی‌ساز. کلاً با این مرزبندی‌ها زیاد موافق نیستم.



مشهور است.

## نی نواز پیر

# 2

حسین نوری از اساتید بزرگ نی بوجوا که تازه کور شده بود داستانی برایش تعریف کرد گفت یک روز رفتم بالایی یک تپه و شروع کردم به نی زدن. آنقدری زدم که یکدفعه احساس کردم آفتاب رفته و هوا رو به سردی است. چشم‌هایم را بار کردم دیدم اطرافم تا پایین تپه خرگوش‌ها نشستند و به صافای نی گوش می‌دهند. من فکر کردم که این داستان نمی‌تواند راست باشد ولی یک هیرمند حتی در سخت‌ترین شرایط برای حفظ غرور و هویت‌مانان چنین داستانی برای خودش می‌سازد. فیلم را با همین مضمون ساختم و آخر آن را با شعر «با خیال خام خرگوشان خود خوش‌باش اگر چه خالی‌بای خرگوشان خودت خار روینده است اگر چه خرگوشان همه رفتند و یاران نیز اما نی نواز پیر با خیال خام خوب خرگوش خود خوش‌باش» تمام کردم.

# 1

سال ۱۳۵۱ می‌خواستیم فیلم «حاج مصور الملکی» را بسازم. رفتم بیروردی را دیدم که دستی که با آن نقاشی می‌کند بر اثر سگ‌تپه مغزی فحج شده، از هر تپلونی که کشیده نو تا بیشتر موجود نیست و جز یک خانه قشنگ هیچ متریالی برای ساخت فیلم در دست ندارم. برای همین مجبوریت فیلم را نسل فراموش شده هرومنلی قرار دادم که فقط با ذهنیات و آرزوهایشان زندگی می‌کنند. نمی‌خواستیم در فیلم بگویم حاج مصور الملکی این است و آن است. البته زندگی و افتخارات او را حذف نکردم. آن را در تیتراژ آوردم. وقتی فیلم تمام می‌شود کلانگی قازقار می‌کند و زندگی این مرد به صورت نوشته ظاهر می‌شود. این کار را کردم که اطلاع‌رسانی به ساختار فیلم اصله نزنند.

## نسل فراموش شده هنرمند

آن کاشی‌کاری قشنگی‌اشیت» ما باید در جرات مختلف یک سینمای مستند را بشناسیم.  
 ■ علی‌رغم همه توفیقاتی که درباره تعریف‌ناپذیری نوع فیلم‌ها دادید اما به هر حال همه فیلم‌های داستانی شما، حتی فیلم «عروس آتش» که در امانیک‌ترین کار شماست زیر ساخت واقعی دارند و به نوعی اثباتی مستندگونه در آن وجود دارد. این نشان می‌دهد هر چند شما ناخواسته سراغ فیلم مستند رفتید ولی مستندسازی در شما نهادینه شده.

من به طور جدی درباره این تقسیم‌بندی مقاومت می‌کنم ولی اگر راهی را برای کار انتخاب می‌کنی باید در سراه آن کاملاً آگاه باشی. در نهایت سینمای مستند به فیلمساز می‌آموزد که چگونه قضا و آدم‌ها را واقعی ببیند. برای همین فیلم‌های داستانی من هم واقعی است. یکی از اولین فیلم‌های من که خودم آن را فیلمبرداری و مونتاژ کردم «شرح حال» بود. یک فیلم تجربی که بعد از چهارچند سال که بعضی‌ها آن را می‌بینند می‌گویند این که «ویدئو آرت» است. در حالی که آن سال‌ها ویدئو آرت هنوز وجود نداشت.

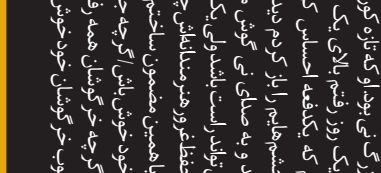
■ در میان سینما و داستان محبوب‌ترین اثر شما «مرثیه گمشده» است، فیلمی که به بهترین شکل وجه تغزلی و در عین حال پژوهشی آثار شما را در پیلن خود دارد. چگونه شد که این چنین جذب داستان لهستانی‌های آواره جنگ دوم جهانی شدید؟  
 روایت است روستایی‌ها داشتند از کنار یک رودخانه‌ای می‌رفتند. دیدند یک پوست خرسی افتاده در رودخانه. یکی از آنها دوان‌دوان خودش را رساند که پوست خرس را برای خودش بردارد. اما خود خرس بود که روستاییان آن را از پشت دیده بودند. روستایی‌های دیگر از دور دیدند دارد غرق می‌شود، فریاد زدند که خوب ویش کن. گفت من ول کرده‌ام، او من را ول نمی‌کند. داستان لهستانی‌ها هم یک داستان کاملاً پوست خرسی است که البته من ممنون آن هستم.

انامه و صفحه ۱۵



فیلم‌های «مستقل» هستند. اتفاقاً تازگی ساخت فیلمی را تمام کردم که واژه آن را «با مستند تخیلی» می‌دانم. اسمی که خودم برایش انتخاب کردم و امیدوارم عنوانش در سینما جا بیفتد. فیلمی است تخیلی بر اساس منابع و تصاویری کاملاً مستند. هدفم از این توضیحات این است که بگویم من خودم را محدود به عنوان واژه‌ها نمی‌کنم. معمولاً اصطلاح «ساینس فیکشن» (علمی تخیلی) بیشتر در سینما شنیده می‌شود اما من نوع فیلمی را «داکیو فیکشن» (مستند تخیلی) می‌دانم. ما هم می‌توانیم اصطلاح ایجاد کنیم در دهه بیست «گریسون» عنوان «مستند» را به این نوع فیلم‌ها دادیم و حالا ما واژه «مستند تخیلی» را تخیلی نه فقط در سینما بلکه در هر هنری نقشی اساسی دارد. به نظر من اگر سینمای مستند چه در ساختار و چه در پرداخت موضوع تخیل را کنار بگذاریم تبدیل به پایین‌ترین سطح از سینمای مستند می‌شود. من سه سال پیش فیلمی ساختم به اسم «زادگان تاریخ» راجع به تاریخ سگه و اسکاتلند. قبل از آن هم فیلم «گوهان تاریخ» را درباره موزه جواهرات ایران ساختم. هر دوی اینها را می‌توانستم گزارشی بسازم ولی، زیربنای ساخت هر کدام از اینها حداقل ۱۰ جزوه بزرگ بود. من از این جزوه‌ها خیلی آموختم و همین آموختن یکی از دلایل علاقه‌مندی من به سینمای مستند است. این تحقیقات شناخت من را از موضوع بیشتر کرد.

■ شاید برای همین هم هست که فیلم‌های «شرح حال» و «کوچه پاییز» اطلاعات دقیق بیوگرافیکی، از «آزاده طباطبایی» به ما نمی‌دهد ولی همه تصاویر و دانسته‌ها و اطلاعات عمومی که از این هنرمند داریم فقط از این دو فیلم شما است. با اینکه نه از زندگی و نه فیلم هست که زندگی‌اش را بازگو کند و نه مصاحبه‌ای از او. با این حال، حال‌وهوای هنرمندان‌های که بر زندگی طباطبایی حاکم بوده در این فیلم کاملاً مشهود است.



■ صبح روشن  
■ کارگردان: حجت بکانیان  
■ درباره فیلم: مستند صبح روشن ساخته حجت بکانیان در ۳۵ دقیقه به بررسی زندگی (از کودکی تا زمان ترور) و جایگاه علمی دکتر مسعود علیمحمدی به عنوان اولین شهید هسته‌ای کشور می‌پردازد.



## شهید ماندگار هسته‌ای

روایت حجت بکانیان از روند تولید مستند صبح روشن

مراحل تحقیق فیلم «صبح روشن» را آبان ماه ۹۱ شروع کردم که تا اواسط آذرماه طول کشید. بخشی از تحقیق که مربوط به زندگینامه شهید علیمحمدی بود را با کمک دوستان و خانواده ایشان به‌ویژه همسر بزرگوارشان، خانم منصوره کرمی تکمیل کردم و بخش شناخت جایگاه علمی دکتر را نیز با مشورت دو استاد بزرگوار جناب دکتر مشفق و دکتر توسلی به پایان رساندم و توانستم به کمک آن‌ها اطلاعات این بخش را به‌دست آوردم. از سوی دیگر می‌بایست اطلاعات علمی خود را در حوزه فیزیک و علم هسته‌ای به حدی میرساندم که شناخت بیشتری از دکتر علیمحمدی پیدا می‌کردم. در این راه کتاب‌ها و مجلات سازمان انرژی اتمی در مراحل مختلف فیلم بسیار مفید بود. در اواسط آذرماه پس از طی مراحل، تولید فیلم را آغاز کردم و طی ۱۲ جلسه تصویربرداری را به کمک رضا شیخلاتی و گروه فنی او به پایان رساندیم. لوکیشن‌های فیلم شامل منزل دکتر علیمحمدی، کوچه‌ها و خیابان‌های تهران، سازمان انرژی اتمی ایران، دانشکده فیزیک دانشگاه تهران، و اتاق دکتر علیمحمدی در دانشکده که به رسم یادبود همچنان به همان شکل حیات ایشان، باقی مانده است. نکته جالب سررسید روی میز کار ایشان است که گرد زمان بر آن نشسته است و تاریخ آن ۲۱ دیماه ۱۳۸۸ (زمان شهادت ایشان) را نشان می‌دهد. بخشی از تصاویر موجود در فیلم تصاویر آرشیوی است که مهمترین و اصلی‌ترین بخش این تصویر مویابلی است که لحظاتی پس از ترور دکتر را نشان می‌دهد. این تصویر دقیق‌ترین و کامل‌ترین تصویر است که چند لحظه پس از ترور را نشان می‌دهد که هم جنبه مستند دارد و هم لحظه‌ای بسیار دراماتیک یا به عبارتی سکاس اوج فیلم است.



هفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران - سینما حقیقت  
Tehran 10-17 Dec 2013  
The 7th CINEMA VERITE Iran International Documentary Film Festival  
سینما فلسطین - سینما سپیده ..... تهران

سینمای ایران

شماره دوم  
چهارشنبه ۲۰ آذر ماه ۹۳

# کودکی تنها در روستایی دور

منوچهر رضانی در مستند «بازی‌های تنهایی» زندگی کودک تنها در یکی از روستاهای دورافتاده استان مرکزی را به تصویر کشیده است

محمد صادق شایسته

mshayeste84@gmail.com

منوچهر رضانی که به نیمه‌های دهه چهارم زندگی‌اش رسیده در تازه‌ترین فیلم خود به سراغ پسر بچه‌ای تنها رفته که در یکی از روستاهای استان مرکزی درس می‌خواند و بازی می‌کند. رضانی که تاکنون کارگردانی ۱۰ فیلم کوتاه مستند و داستانی از جمله، «تاریخ مصرف»، «فوتبال جایی که داور ندارد»، «پدر شیشه‌ای»، «ثانیه‌های معکوس» را در کارنامه‌اش به ثبت رسانده سعی کرده کمی فراتر از به تصویر کشیدن تنهایی این پسر بچه عمل کند و داستانش را به موضوعی کلی‌تر یعنی مهاجرت اختصاص دهد. توضیحاتی درباره شرایط تولید «بازی‌های تنهایی» در کنار بحث همیشه جنجالی مستندهای سفارشی نکاتی است که در گفتگوی پیش رویتان می‌خوانید.

چرا برای این فیلم از پسر بچه‌ای روستایی استفاده کردید؟  
مدتی پیش در یک گزارش خبری پسر بچه‌ای را در یک روستای دور افتاده دیدم که تنهایی مشغول درس خواندن بود. بعدها به من پیشنهاد شد که از این پسر بچه یک مستند بسازم. ابتدا از این پیشنهاد استقبال کردم؛ ولی کمی که گذشت به این نتیجه رسیدم خیلی سوژه نکته‌چندان بارزی ندارد که انگیزه مهمی برای کار کردن روی آن شود. البته در وهله اول بحث آموزش مطرح بود. بعد از مدتی با خودم فکر کردم که فیلم را از جایی که قاعدتا باید تمام شود تازه شروع کنم. به این صورت که مطرح کنیم اصلاً چرا این بچه تنهاست. همین جرقه اولیه باعث شد من دوباره به این سوژه علاقه‌مند شوم اما این بار با تمرکز روی بحث مهاجرت. به این ترتیب بخش آموزش یکی از ایت‌های این مستند شد و تم اصلی را بحث مهاجرت قرار دادم.

ظاهر سوژه به‌گونه‌ای است که فیلمساز هم می‌تواند یک کار داستانی بلند براساس آن بسازد و هم به سمت ساخت یک مستند محض برود. چه دلیلی باعث شد شما تلفیقی از این دو را برای ساختار «بازی‌های تنهایی» در نظر بگیرید؟

این هشتمین کار مستند من است و در طول این سال‌هایی که

به مستندسازی مشغول بودم هیچ‌گاه از ابتدا تصمیم نگرفتم که در چه قالبی کار را بسازم. تمام توجه و تمرکز من در این است که حق مطلب در مورد سوژه چگونه ادا می‌شود. حالا این مسئله در هر قالبی باشد خیلی برایم مهم نیست. به عبارت دیگر درست پرداخته شدن به سوژه برایم مهمتر از قالب است. از طرفی من فعالیتیم در این عرصه را با کار در حوزه تئاتر و نمایش آغاز کردم و همیشه در ناخودآگاه من آن گرایش و علاقه به تئاتر وجود دارد.  
دقیقاً کجا به قالبی که در نهایت فیلم شما به شکل آن ساخته و ارائه می‌شود می‌رسید؟ به هر حال شما بخواهید اثر در هر قالبی بسازید هم از لحاظ نرم‌افزاری مثل فیلمنامه و هم از لحاظ سخت‌افزاری مثل دوربین و تجهیزات شرایط تولید متفاوت خواهد بود.

من همیشه قبل از هر چیز سوژه را در ذهن خودم می‌سازم. خب خیلی‌ها این‌گونه عمل نمی‌کنند و به امید اتفاقات و بداهه‌های احتمالی کار را جلوی دوربین می‌برند. حدود ۸۰ درصد سوژه ابتدا در ذهن من کاملاً ساخته و پرداخته می‌شود. ۲۰ درصد را هم می‌گذارم برای اتفاقات پیش‌بینی نشده زمان تولید. وقتی این کار انجام می‌دهم و وقتی تکلیفم با سوژه مشخص شد آن وقت سراغ مراحل دیگر پیش تولید مثل انتخاب عوامل تولید و غیره می‌روم.

## دینی و آیینی

■ سرزمین آموزش  
■ کارگردان: محمدتقی درنشان  
■ درباره فیلم: به باور اهالی و مردم جزیره قشم و شاید بسیاری از مردمان دیگر کشورهای جهان زندگی این دنیا رنجی است برای آموزش گناه نخستین. و این راهی است برای سعادت و نیک بختی در دنیای پس از مرگ.



## روایت شاعرانه مرگ

مستند «سرزمین آموزش» در چهار ده دقیقه، برداشته‌ها و دیدگاه‌های مردم جزیره قشم نسبت به مرگ را به تصویر می‌کشد. محمد درنشان که برای انجام یک مأموریت کاری به قشم سفر کرده بود هنگامی که از نزدیک با فرهنگ، آداب و رسوم و همچنین دیدگاه مردم این منطقه نسبت به مفاهیمی چون مرگ و زندگی آشنا می‌شود و از طرفی دغدغه اجتماعی که خود به این مقوله دارد، تصمیم به ساخت فیلمی با این موضوع می‌گیرد. فیلم ساختاری کاملاً مستند گونه دارد و با پرهیز از شخصیت‌پردازی و بازسازی فضاهای روایتی شاعرانه از مرگ را بیان می‌کند. گفتار متن این فیلم نیز متناسب با حال و هوای و مضمون فیلم بیشتر متکی بر آیات قرآنی، احادیث و روایات نهج البلاغه است.

## از نگاه کارگردان

### در آغوش مرگ

به طور کلی تم این فیلم مرگ است. در سفرهایم به جزیره قشم برداشته‌هایی از اعتقادات و دیدگاه‌های مردم این منطقه داشتم که به تفکرات شخصی‌ام نزدیک بود. اعتقاد آنها این است که رنج و سختی زندگی این دنیا وسیله و روشی برای آموزش در آخرت است و این دیدگاه ریشه در مذهب آن‌ها دارد. به همین دلیل آنها مرگ را به راحتی می‌پذیرند. اما این موضوع تنها به مردم قشم محدود نبوده و مرگ را می‌توان یکی از دغدغه‌های بشر در طول تاریخ به حساب آورد. قشم در واقع یک نمونه محسوب می‌شود که می‌توان به جوامع بزرگتر نیز آن را تعمیم داد.

## A Lonely Child in a Distant Village



**M**anouchehr Ramezani has depicted the life of a lonely child in a distant village of Markazi Province. He has tried to allocate his story to the more general subject of 'immigration'. It is Ramezani's 8th work in the field of documentary filmmaking and as he says himself, he has never decided in which form he is going to make his documentary. He said, "First, I've started working in the field of play and theater, so there have always been the tendency and passion for theater and you can see that quality in my works which is formed totally unconsciously." Ramezani also talked about his method of forming a film, "I always make the subject in my mind before anything else. Well, most of the filmmakers do not act like this. They start making their films in the hope of possible incidents and improvisation. But I just leave only 20% of my work for possible incidents. When I finished working on my subject, then I begin the other stages of pre-production like casting, etc". He admitted that it was very hard to make contact with this child who has been alone for many years and got accustomed to it. The director explained, "We needed an intimate relationship in order to be able to work with him".

### ارتباط برقرار کردن با کودکی که سال‌هاست به تنهایی عادت کرده کار سختی بود؟

من ساکن تهران هستم و کار را در استان مرکزی ساختیم. در این مدت نزدیک به ۱۵ بار برای ساخت فیلم به استان مرکزی رفتم که چند بار فقط به علت شناخت بیشتر شخصیت او و محیطی که در آن زندگی می‌کند رفتم. چند بار اول هدفم دقیقاً شناخت سوژه و بازسازی محل زندگی او در ذهن خودم بود. به هر حال آدمی که مدت‌ها تنها باشد از نظر روابط عمومی با مشکلاتی مواجه می‌شود و این پسر بچه هم از این قاعده مستثنی نبود. بچه تنهایی که در یک روستا نه هم کلاسی دارد و نه هم بازی. قطعاً برقراری ارتباط اولیه با چنین بچه‌ای سخت است هم برای او و هم برای من. برقراری یک ارتباط صمیمانه با این بچه جزو مشکل‌ترین قسمت‌های کار بود.

### از چه روشی برای برقراری این ارتباط استفاده کردید؟ روش‌های مختلفی به کار بردیم. از گفتگو کردن و صحبت کردن‌های مداوم بگیریید تا همبازی شدن با او.

معمولاً در همه جای دنیا وقتی مستندهایی با سوژه‌های کودکان ساخته می‌شود و در آن کودک یا کودکانی به تصویر کشیده می‌شود که از مشکلاتی رنج می‌برند پس از دیده شدن مستند اتفاقات خوبی برای زندگی آن کودک یا کودکان از طرق مختلف اتفاق می‌افتد. خبر دارید که ساخت این مستند هم توانسته چنین تأثیری در زندگی آن پسر بچه بگذارد؟

قبل از ساخت این مستند و به واسطه آن گزارش‌های خبری وضعیت این بچه در چند جا بازتاب داده شد. حتی به برنامه «ویتامین ۳» شبکه سه هم دعوت شد، اما به دلیل همان روابط عمومی پایینی که این کودک دارد خیلی حق مطلب در مورد او ادا نشد. اما همان اتفاق‌ها را هم در این مستند آورده‌ام، اتفاقاتی که تأثیری هر چند کم و کوچک در زندگی این پسر داشته‌اند.

عموماً در مستندهایی که به شکل سفارشی ساخته می‌شوند، یک سری محدودیت‌ها برای به تصویر کشیده نشدن برخی تلخی‌ها وجود دارد و خب در این مواقع کارگردان باید این نظرات و محدودیت‌ها را در کار خود اعمال کند. در این زمینه دست شما بسته بود یا هر آن

### چه می‌خواستید را توانستید به تصویر بکشید؟

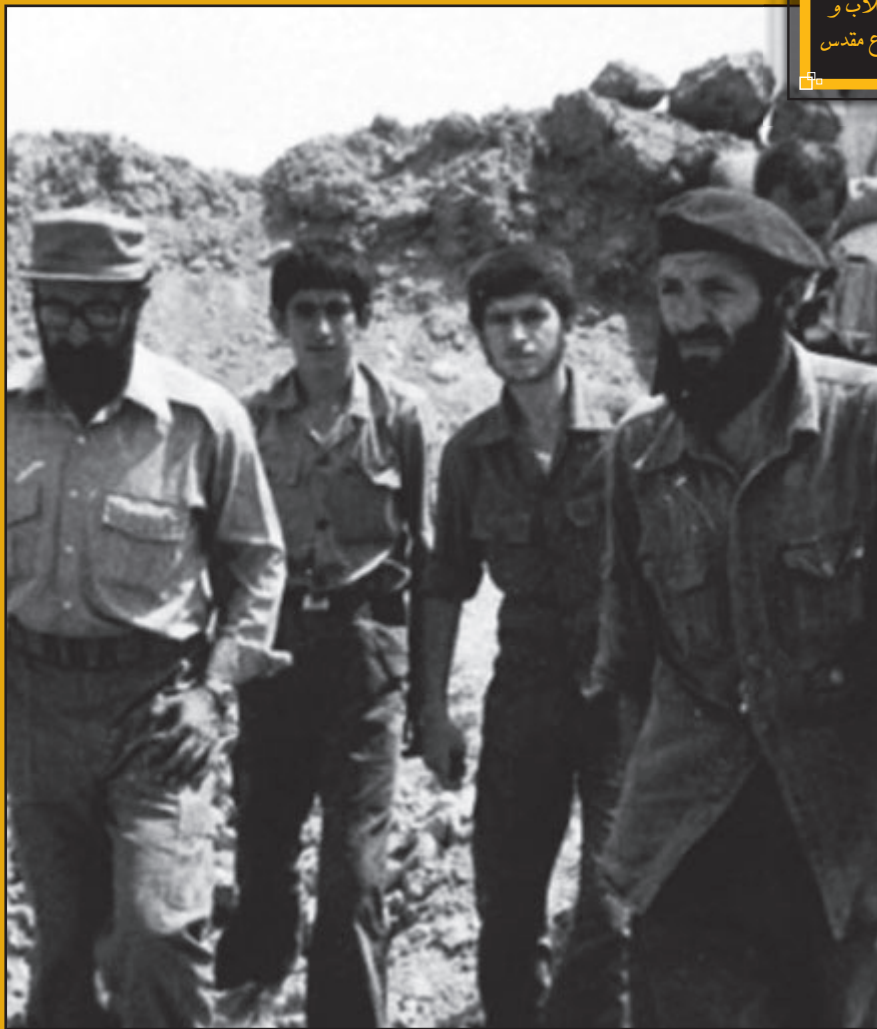
من کارگردانی هستم که در دانشکده صداوسیما تحصیل کرده‌ام و چارچوب‌های رسانه را به خوبی می‌شناسم و قطعاً آن‌ها را رعایت می‌کنم. از طرفی اعتمادی که صداوسیما در این سال‌ها به من داشته باعث شده کارهایی که می‌سازم به‌گونه‌ای باشد که هم به هدف خود در تهیه یک مستند برسیم و هم سفارش‌دهنده کار از محصول نهایی رضایت داشته باشد. به هر حال همه می‌دانیم که ما می‌توانیم خیلی حرف‌ها را در سینما بزنیم چون مخاطب محدود مشخصی دارد، ولی تلویزیون به دلیل اینکه یک رسانه فراگیر و ملی است و مخاطب عام زیادی دارد خیلی جایز نیست دست روی نکاتی بگذاریم که در نهایت از آن‌ها برداشت منفی بشود.

### مستندسازان مستقل معتقدند این گونه نگاه کردن یک کارگردان به سوژه می‌تواند باعث خودسانسوری و در نهایت نرفتن به سمت نگاه همه‌جانبه به یک سوژه شود. چقدر این مسئله را قبول دارید؟

واقعاً بحث خط قرمزها در تمام دنیا وجود دارد. حتی آن رسانه‌هایی که به شکل افراطی دم از آزادی بیان کامل می‌زنند باز هم یک سری خطوط قرمز در درونشان تعریف شده اما من می‌توانم این آرزو را داشته باشم که خط قرمزهای ما متعادل‌تر شود و تا جایی این خط قرمزها پیش بروند که دست و پای یک فیلمساز را خیلی نبندد. هر چه این خط قرمزها منطقی‌تر شود اثر نهایی از رنگ و بوی سفارشی گرفتن دور می‌شوند. قبول دارم که برخی مستندها آنقدر سفارش شده ساخته می‌شوند که اثر تبدیل به یک محصول شتر گاو پلنگ می‌شوند که هیچ کس از آن سر در نمی‌آورد. به نظرم خط قرمزها باید به‌گونه‌ای تعریف شوند که در نهایت وقتی مخاطب با اثری از یک کارگردان مواجه می‌شود آن را پس نزند. جمله معروفی وجود دارد با این مضمون که هنرمند وضعیت اجتماعی‌اش را مثل هوا تنفس می‌کند و محصولی که ارائه می‌دهد بازدم آن تنفس است و آن بازدم می‌تواند تأثیرات شگرفی بر مخاطب بگذارد. امیدوارم به سمت و سویی برویم که در نهایت مخاطب وقتی فیلمی را می‌بیند آن را به عنوان یک اثر هنری و نه یک اثر سفارش شده از کارگردان ببیند و آن ارتباطی که باید را با اثر برقرار کند.

## A Different Image from Martyrs

**M**ohsen Ostad Ali, who has directed "The Wet Road", believes that we should make it easier for the people to feel themselves closer to the martyrs. Sayyid Mojtaba Hashemi is one of the most famous martyrs who are well-known as "Martyrs of Terror". A martyr who strangely seems like Che Guevara, the great and well-known revolutionist of South America. Ostad Ali, 31 years old director of this documentary, tells the story of this martyr's life.



## شهدا را زمینی کنید تا درک شوند

محسن استادعلی کارگردان جوان مستند «جاده نمناک» معتقد است نباید کاری کرد که مردم با تصور خاص بودن از ارتباط برقرار کردن با شهدا دور شوند

محمد صادق شایسته

mshayeste84@gmail.com

سید مجتبی هاشمی یکی از مشهورترین شهدای معروف به شهدای «ترور» است. شهیدی که در ظاهر شباهت عجیبی به ارنستو چه گوارا، انقلابی بزرگ و مطرح امریکای جنوبی دارد. محسن استادعلی کارگردان سی و یک ساله تهرانی در مستند «جاده نمناک» به سراغ روایت زندگی این شهید رفته، روایتی که سعی کرده تا جایی که می‌تواند متفاوت از نمونه‌های مشابه‌اش باشد

### علاقه به چه گوارای ایرانی

به گفته استادعلی اصل کار براساس سفارش بوده است. داستان سفارش این مستند هم از این قرار است که انجمن سینمای دفاع مقدس دست به تولید چند مستند با این محوریت می‌زند. پرداختن به این موضوع برای استادعلی بسیار جذاب بوده و خودش هم ساخت مستند شهید هاشمی را به انجمن پیشنهاد می‌دهد. از نظر او شهید هاشمی از کاراکتر بسیار خاصی برخوردار بوده و از نظر تیپ و ظاهر تفاوت خیلی ملموسی با آدم‌ها دیگر داشته. کاری که استادعلی و تیم تولیدش در این مستند انجام داده‌اند این بوده است که به بهانه زندگی شهید هاشمی که از یک سالی آغاز و در یک سالی هم به پایان می‌رسد مهمترین اتفاقاتی که ما بین تولد تا شهادت آن شهید بزرگوار رخ داده بود را مرور کنند. او با توجه به مستندهای ساخته شده در سال‌های اخیر سعی کرده کار متفاوتی ارائه دهد: «در این سال‌ها چه در تلویزیون

و چه خارج از تلویزیون فیلم‌های زیادی با محوریت شهدای جنگ ساخته شده است و نکته مهم این کارهای ساخته شده این است که به شدت نزدیک به هم شده‌اند. یعنی شما فیلمی از آقای فلاحتی را وقتی کنار فیلم نفر بعد می‌گذارید تفاوت زیادی از لحاظ ساختار در آن حس نمی‌کنید. خوب در این شرایط کارها شکل روتین به خودشان گرفته‌اند و به نظرم حتی بیننده‌هایشان را هم از دست داده‌اند. ما سعی کردیم در «جاده نمناک» این شباهت‌ها را کمی بشکنیم و متفاوت‌تر به داستان نگاه کنیم. این فیلم هم به جهت روایت کمی متفاوت است و سعی کردیم از روایت نمونه‌های مشابه دوری کنیم و هم سعی کردیم بیشتر به زندگی واقعی شهید نزدیک شویم. یعنی از اینکه در فیلم همه چیز سفید باشد دوری کردیم.»

### نزدیک کردن یک شهید به یک آدم عادی

به اعتقاد این کارگردان جوان در این سال‌ها فیلم‌هایی که

ساخته شده عموماً شهدا را خیلی آسمانی کرده‌اند و یک آدم زمینی وقتی روایت‌هایی که از این آدم‌های آسمانی شده را می‌بیند خیلی با آن‌ها ارتباط برقرار نمی‌کند و فکر می‌کند یک شهید آدم بسیار خاصی بوده که آدم‌های عادی نمی‌توانند شبیه آن‌ها بشوند در حالی که به اعتقاد او واقعا این گونه نیست: «شهدا آدم‌هایی کاملاً معمولی مثل من و شما بودند که به جنگ رفتند و در کشاکش جنگ اتفاقات خاصی هم رخ داده، عده‌ای هم شهید و جانباز شده‌اند. استحالتهایی که در جنگ برای آدم‌ها رخ داده کاملاً درونی بوده و خیلی آدم‌های بیرونی و اطراف یک شهید درگیر این تحول نبوده‌اند. به همین دلیل هم مهمترین هدف من از ساخت این فیلم نزدیک شدن به خود واقعی شهید هاشمی بود.»

### دوری از تکراری به نام گفتگو محوری

استادعلی از همان ابتدا سعی کرده ساختار مستندش را از گفتگو محوری دور کند: «به نظرم رسید هر چه بیشتر از زبان خود شهید روایت کنم مستند جذاب‌تر می‌شود. به همین دلیل ابتدا فقط اطلاعات را جمع‌آوری کردم تا بعد فضاهای مورد نظرم را براساس عکس‌ها و فیلم‌هایی که دارم بازسازی کنم. الان کل فیلم، آرشیو عکس و فیلم‌های باقیمانده از این شهید یا فیلم‌هایی مرتبط با وقایعی است که می‌خواستیم در این مستند آن‌ها را به روایت داستان اضافه کنیم. سعی کردیم نریشن‌ها تا جایی که می‌شود لحن عامیانه‌ای داشته باشد به این دلیل که مخاطب احساس کند شهید هاشمی همین الان دارد با او یک مکالمه عادی برقرار می‌کند. اطلاعاتی هم که به دست آوردیم باعث شد زبان محاوره‌ای این شهید کاملاً دستمان بیاید. خدا را شکر آدم‌های نزدیک این شهید بزرگوار هم وقتی کار را دیده‌اند کاملاً تصدیق کرده‌اند که ما به کاراکتر شهید هاشمی خیلی نزدیک شده‌ایم.»



## بانک ملی مدیون اوست

«مستند شاهجهان» روایتی است از زندگی و سرگذشت پرویز شاهجهان تاجر بزرگ کشور. حسن نقاشی از ساخت این مستند می گوید

عرفان جلالی

jalali\_erfan@yahoo.com

پرویز شاهجهان نامی آشنا در تاریخ معاصر کشورمان است؛ تاجر و بانکداری که نقش بسزایی در شکل گیری بانک ملی داشته. حسن نقاشی کارگردان مستند «شاهجهان» در این باره بیشتر توضیح می دهد: این فیلم به زندگی، سرگذشت و نقش پرویز شاهجهان، تاجر و بانکدار مشهور پارسی در قیام مشروطه خواهی ایران می پردازد. او در دوران محمدعلی شاه، تاجر تخانه ای با عنوان «تجار تخانه جهانیان» راه اندازی می کند که این تاجر تخانه مقدمه ای بر شکل گیری بانک ملی ایران بوده است. این اقدام در دوره ای که تنها بانک های روس و انگلیس در کشور فعالیت می کردند بسیار ارزنده بود. شاهجهان در یزد تصمیمات زیادی از جمله تأسیس بانک ایرانی، تأسیس تاجر تخانه ای که جز شش تاجر تخانه برتر ایران بود و شعبه هایی از همین تاجر تخانه را در خارج از ایران تأسیس کرد، ضمن اینکه تلاش وی در جنبش مشروطه مبنی بر حمایت از مشروطه خواهان بسیار پر رنگ بود. در آن زمان که جغرافیای گسترش مشروطه بسیار محدود بوده، او مشروطه را به مناطق مرکزی و کویری از جمله یزد برده و سرانجام در این راه ترور شد.

مستند علمی، زیست محیطی

## مسيله؛ سرزمینی از یادرفته

روایت نابودی و خشکسالی منطقه ای سرسبز در اطراف شهر قم

مستند مسيله سرزمین فراموش شده درباره نابودی منطقه ای سرسبز در اطراف شهر قم است که توسط احمد فیضی در ۵۰ دقیقه آماده شد. فیضی درباره داستان این مستند می گوید: «این مستند درباره منطقه ای در حوالی قم به نام «مسيله» است که در حدود بیست سال پیش منطقه ای بسیار آباد، خوش آب و هوا و به لحاظ زیست محیطی و کشاورزی بسیار مهم و تاثیرگذار بوده است. اما این منطقه در دو دهه گذشته به دلیل برخی مسائل زیست محیطی و همچنین احداث سدهای متعدد به کویری خشک تبدیل شده. از بین رفتن این منطقه موجب بروز دو مشکل زیست محیطی شده، نخست آنکه کشاورزی را در آنجا از بین برده و دوم اینکه به نظر می رسد یکی از دلایل وجود ریزگردها در هوای تهران و قم ناشی از همین مساله است.»



### قوم شناسی

- سفرنامه سیستان
- کارگردان: علی زارع قنات نوی
- درباره فیلم: مستند سفرنامه سیستان برداشت آزادی از کتاب دیدار با بلوچ محمود دولت آبادی است که به مصایب و مشکلات و زندگی مشقت بار مردم سیستان و بلوچستان پرداخته است.



### دیدار با بلوچ

علی زارع قنات نوی

من در فیلم سفرنامه سیستان از دید و نگاه مخاطبی که سفری به مناطق جنوب شرقی کشور از جمله سیستان و بلوچستان داشته به بیان دردها، مشکلات، شرایط اجتماعی و فضای زندگی مردم این منطقه پرداخته ام. همیشه برایم سؤال بود که چرا به مردم این منطقه اینقدر کم بها داده شده و چرا این استان که یکی از وسیع ترین استان های کشور است چنین وضعیت نابه سامانی دارد. این موضوع همیشه برایم یک دغدغه بود و با این فیلم سعی کردم به آن بپردازم. از این رو با این فیلم بی پرده وارد فضای فرهنگی و اجتماعی بلوچستان شده با شیوه زندگی، آداب و رسوم و فضای اجتماعی مردم این منطقه آشنا می شویم. فیلم نگاه موشکافانه ای به مسائل روز این منطقه و معضل قاچاق داشته و راهکار برون رفت از این شرایط را مطرح می کند. لوکیشن های این فیلم از (کویر لوت) آغاز می شود، سپس به کرمان، بم، ماهان و زاهدان و شهرهای مرزی ایران می رسد. بخش هایی از این مستند را هم در کشور پاکستان تصویربرداری کردیم که متأسفانه به دلیل شرایط نظامی در این منطقه بسیاری از تصاویر فیلم توقیف و حذف شد که آسیب زیادی به ساختار فیلم زد. به هر حال امیدوارم که این مستند مورد پسند مخاطبان قرار گیرد.



## Don't Lose Your Chance to Watch the Best! (Full & Special Section)

Here, you can follow our suggested documentary films for watching. The following have been recommended, specifically for the Special Section: 'Humus' directed by Frédéric Labonde and 'Saving face' by Daniel Junge, Sharmeen Obaid-Chinoy. And if you are interesting in watching full-length movies, we recommend you take time to watch 'Rent A family Inc.' by Kaspar Astrup Schroder, 'The Hunting of the Snark' by François-Xavier Drouet, besides 'The Missing Piece' by Joe Medeiros. Among the above, there are two films selected because of their interesting theme: first, 'The Missing Piece' which is about the greatest little-known art theft of all time. And the second one is a film from Pakistan; 'Saving face' that shows a surgeon who left London to return to his home country for helping.

aida.tadayon@gmail.com

آیدا تادین



زندگی دوگانه ی آقای ریویچی  
 خانواده خود را از ماجاره کنیید/ دانمارک ۲۰۱۲

کاسپار آستروپ شرودر، این مستند ۷۶ دقیقه را نویسنده‌گی و کارگردانی کرده است. این اثر بلند درباره قهرمانی است که یک زندگی دوگانه و پیشه‌ای عجیب را در پیش گرفته است. «ریویچی» صاحب یک کمپانی کوچک ژاپنی است که آن را از طریق موبایل و لپ‌تاپش اداره می‌کند. این مرد ۴۴ ساله، متأهل، صاحب دو فرزند و یک کارمند به ظاهر متعهد است که از ۹ صبح تا ۵ عصر به سر کار می‌رود. اما چه کسی می‌داند که ریویچی در شرکت «می‌خواهم اخم‌هایت را باز کنی» دقیقاً مشغول چه کاری است؟!



وقتی مونالیزا گم شد...  
 قطعه گمشده / امریکا ۲۰۱۳

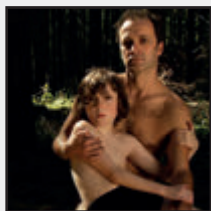
این مستند ۸۶ دقیقه‌ای درباره یکی از بزرگ‌ترین سرقت‌های هنری تمام دوران‌هاست که تاکنون اطلاعات چندانی درباره‌ی آن در دسترس نبوده است. هیچ‌کس نمی‌دانسته چرا «وینچنزو پروجا» بیش از صد سال پیش تصمیم می‌گیرد تابلوی مونالیزا را از موزه لوور به سرقت برد و موفق هم می‌شود. جوئی مدیروس، کارگردان و نویسنده این اثر بلند توانسته انگیزه واقعی پروجا را از به بردن سرقت این شاهکار هنری کشف کند؛ انگیزه‌ای که تنها دختر پروجا نیز از آن بی‌خبر بوده است.



آتش در انبار باروت  
 مدرسه اسنارک / فرانسه ۲۰۱۳

«مدرسه اسنارک» یک مستند بلند فرانسوی است که فرانسوا خاوییر درویت آن را نویسنده‌گی و کارگردانی کرده است. درویت در این مستند ۹۵ دقیقه‌ای، یک سال زندگی پرچالش در مدرسه شبانه‌روزی «اسنارک» - ویژه نوجوان بزهکار - را به تصویر کشیده است. کارگردان نگاه خود را متوجه مشکلات عمیقی کرده که در این مدرسه جریان دارد و به نحوی متفاوت به رفتارهای ضداجتماعی دانش‌آموزان و تلاش مضاعف کارکنان برای برقراری تعادل پرداخته است. درویت نگران انفجاری است که در شرف وقوع است.

فیلم بلند



برآمده از دل تاریکی به جستجوی خویشتن  
 خاک برگ / فرانسه ۲۰۱۳

«خاک برگ» تداعی کننده جنگل‌های بسیار کهنی است که دست تمدن از آنها کوتاه مانده؛ جایی که قرار است یک کودک و دو مرد در آنجا عازم جستجویی برای پیدا کردن خود شوند. در مسیر طلب‌شان، صداهای گوناگونی همراهی‌شان می‌کند و همزمان لابه‌لای درختان می‌پیچد. فردریک لایبوند، در مقام کارگردان این اثر ۶۹ دقیقه‌ای شرایط بشر و نگاه او را به جهانی که تنها مامن آرامش در برابر تنهایی‌های گریزناپذیرش است، به تصویر کشیده است.



بازگشت یک فرشته برای نجات زنان بی‌چهره  
 نجات صورت / پاکستان ۲۰۱۳

این مستند ۴۰ دقیقه‌ای محصول همکاری مشترک دانیل جانگ و شرمین عبید-چینوی در مقام کارگردان است. قهرمان این مستند، پزشک و جراح زیبایی است که کار و زندگی خود را در لندن رها می‌کند و برای کمک به قربانیان اسیدپاشی به کشورش بازمی‌گردد. زکیه و رخسانا دو تن از زنانی هستند که قربانی حمله خشونت‌بار اسیدپاشی به دست شوهران‌شان شده‌اند. این اثر نیمه بلند پاکستانی را به تصویر می‌کشد که در حال تغییر است؛ جایی که مردم عادی به پاخاسته‌اند.

نمایش ویژه



## Don't Lose Your Chance to Watch the Best! (short & Mid-length)

For the Short Film Section, there is a spectacular selection as the following: 'Slomo' directed by Josh Izenberg and 'Wayward and Stubborn' directed by Stefania Donaera. But if you are more curious to watch the mid-length movies, you can all the choice to see these films: 'Mother v/rz' directed by Marcin Janos Krawczyk, 'Open Heart' directed by Kief Davidson, and 'The Subtext of Anger' by Vandana kohli. In the end, we recommend you to try to watch the Polish film, 'Mother v/rz', which is a journey into human hearts and has a mosaic structure. Also, there is another film, named 'Slomo', is the story of a depressed and frustrated doctor who abandons his career as a neurologist and moves to Pacific Beach, facing with the unknown.

### نیمه بلند



فوران آتشفشان انسانی  
مفهوم ضمنی خشم / هند ۲۰۱۲

واندانا کوهلی، این مستند ۵۰ دقیقه‌ای را کارگردانی کرده و در این اثر نیمه بلند از طریق بررسی مقاله‌ای به کاوش در احساسات، حالات و ریشه‌هایی پرداخته که سبب خشم آدمی می‌شوند. این فیلم که به شیوه‌ای علمی و تحقیقی به واکاوی عمیق ریشه‌های بروز خشم در رفتار آدمی می‌پردازد، در جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه دهلی (۲۰۱۲) و جشنواره فیلم کوتاه بنگالور (۲۰۱۲) موفق به دریافت جایزه بهترین فیلم مستند شده است.



یک تپش برای من کافی ست  
قلب باز / آمریکا ۲۰۱۳

«قلب باز» ماجرای زندگی آنزلیک و مری است که خانواده‌هایشان را در رواندا ترک می‌گویند تا عازم سفر مرگ و زندگی شوند. هر دو برای انجام عمل جراحی قلب باز به یک مرکز درمانی در آفریقا سفر می‌کنند تا در بیمارستانی که توسط یک نهاد غیردولتی ایتالیایی اداره می‌شود، به شکل مجانی تحت عمل قرار گیرند. بیماری روماتیسم، قلب‌های این کودکان معصوم را شکننده و ضعیف کرده است و بعضی از آن‌ها بیشتر از چند ماه دیگر زنده نخواهند ماند. کیف داویدسون این اثر ۴۰ دقیقه‌ای را کارگردانی کرده است.



سفری به سرزمین قلب‌ها  
مادر ۲۴/۷ / لهستان ۲۰۱۲

مستند ۵۲ دقیقه‌ای «مادر ۲۴/۷» را مارسین یانوس کراژیک نویسنده و کارگردانی کرده است. این اثر نیمه بلند دارای ساختاری موزاییکی است و گوناگونی قهرمان فیلم در متن فصل‌های متغیر به نمایش در می‌آید. کراژیک مخاطب را به سفری دعوت می‌کند که گذرگاه آن درون قلب انسان هاست. منشا این سفر، در کپی تابلوی «مدونای سیاه چستوهووا» ریشه دارد که طی ۵۵ سال گذشته سراسر لهستان را درنوردیده و به شهرها و دهکده‌های مختلف راه پیدا کرده است.

### فیلم کوتاه

#### بهای سنگین آغاز یک زندگی تازه

قهرمان این مستند ۱۶ دقیقه‌ای، دکتر جان کیچین، عصب‌شناس ورزیده‌ای است که افسرده و خشمگین از زندگی؛ یک روز جانش به لبش می‌رسد و شغل خود را رها می‌کند تا راهی بخشی از سواحل اقیانوس آرام شود و زندگی تازه‌ای را از سر بگیرد. اما اتفاقات غیرمنتظره و تغییر و تحولات بنیادینی در انتظار آقای دکتر است. جاش آیزنبرگ، کارگردان این اثر کوتاه، مخاطب خود را درگیر ماجراجویی‌های قهرمانی می‌کند برای چشیدن طعم دوباره زندگی باید مراحل غریب و پیش‌بینی‌ناپذیری را پشت سر بگذارد.



#### پیروزی بر سال‌های رنج و انزوا

«نهار» پانزده سال بیشتر نداشت که قربانی اسیدپاشی شد. بعد از پشت سر گذاشتن چندین عمل جراحی و سال‌ها مشاوره روانی، سرانجام نهار توانست راهی برای خروج از انزوایی که به اجبار گرفتار آن شده بود، بیابد و توان آن را پیدا کند که زندگی تازه‌ای را از سر گیرد. استفانیا دوناترا، کارگردان این اثر، زنی را به تصویر کشیده که امروز خانه به روستا به روستا در سراسر بنگلادش سفر می‌کند تا به قربانیان چنین تراژدی تلخی یاری برساند.



گفت و گوی ویژه

مرزهای ژانربندی در سینما را باید شکست

ادامه از صفحه ۹

سال ۱۳۴۹ برای تدفین پدر یکی از دوستان مسیحی‌ام به آرامستان دولاب رفته بودم. بعد از مراسم، تعداد زیادی سنگ‌های متحدالشکلی با اسم‌هایی عجیب و غریب دیدم. کنجکاو شدم که جریان این قبرها چیست. رفتم از کشیش مراسم پرسیدم و او داستان لهستانی‌ها را برایم تعریف کرد. همان‌جا ارتباط من با این موضوع شروع شد. تحقیقاتم را شروع کردم و فیلم را کلید زدم. ۱۳ سال طول کشید تا این فیلم تمام شود. بعد از آن هم در آرشو تلویزیون گم شد! اما من یک نسخه از آن را داشتم. بعد از مدتی یک‌سری لهستانی آمدند ایران که سر قبر اقوامشان بروند. کلیسای کاتولیک‌ها از من خواست که به هر کدام از اینها یک کپی از فیلمم را یادگاری بدهم. ۵۰ کپی از فیلم دست لهستانی‌ها رسید و آن را با خودشان به لهستان بردند. من از همه‌جا بی‌خبر بودم که یک روز دیدم همه دارند به من تبریک می‌گویند. پرس‌وجو کردم و فهمیدم رئیس‌جمهور لهستان به بهانه این فیلم نشان «صلیب شوالیه جمهوری لهستان» را به من داده. دو سال بعد هم وزارت فرهنگ این کشور نشان «فتخارات هنرمند» را هدیه داد. جالب این است که این فیلم یکی از شخصی‌ترین آثار من است که اتفاقاً یک مستند کامل به حساب می‌آید. موسیقی این فیلم را خودم نوشتم، بخش‌هایی از آن را خودم اجرا کردم، گفتارش را هم خودم نوشتم و هم خودم گفتم. یعنی یک فیلم کاملاً مستند است. یک روز جوانی پیش من آمد و گفت مادر من لهستانی است و پدرم یونانی و اقوام ما در اردوگاه «آشویتس» نابود شدند. حدود ۳۰-۴۰ نامه به من نشان داد که آنها را برای صلیب‌سرخ یک‌سری از کشورهای دنیا نوشته بود تا کمک کنند او مادر و دیگر اقوامش را پیدا کند. چیزی که برای من عجیب بود این است که این جوان بیشتر از اینکه شبیه لهستانی‌ها باشد شبیه جنوبی‌های خودمان است، چون پوست تیره‌ای دارد. کنجکاو شدم و شروع به تحقیق کردم. رفته رفته خانم «آنا بورکوفسکا» که در فیلم «هرثیه گمشده» هم هست. برایش مساله را توضیح دادم و گفتم این داستان با عقل جور در نمی‌آید. او به من گفت که آن مادر هرگز صاحب فرزند نشده ولی یک خدمتکاری داشتند که در خانه‌شان کار می‌کرده. خدمتکار بچه‌دار می‌شود و چون شرایط مالی خوبی نداشته بچه‌اش را به آنها می‌دهد. همین شد سوژه فیلم «یار در خانه» که داستان دیگری دارد...

عکس روز



شما هم دعوتید!

در شماره اول نشریه در همین باکس از آرامش سینما فلسطین و سپیده در آستانه برپایی جشنواره نوشتیم. روز گذشته اما این دو سینما و خیابان‌های اطرافشان حکایتی دیگر داشتند. پرچم سینما حقیقت که برافراشته شد، فضای داخلی و خارجی سینما فلسطین و سپیده پر شد از مشتاقان فیلم‌های مستند. این سینماها در روزهای برگزاری جشنواره از گرم‌ترین باتوق‌های فرهنگی پایتخت در فصل سرما زده پاییز هستند. شما هم دعوتید!

مدیر مسئول: دکتر محمد مهدی طباطبایی نژاد  
 سر دبیر: آرش خوشخو  
 دبیر تحریریه: وحید سعیدی  
 دبیر اجرایی: مرجان فاطمی  
 سینمای ایران: احمد رنجبر  
 بخش بین الملل: آپدا تدین  
 مدیر هنری: محمد هاشمی  
 عکس: حامد خورشیدی

با سپاس ویژه از: خسرو سینایی، نیما حسنی نسب و مصطفی رزاق کریمی

حقیقت

نشریه روزانه هفتمین جشنواره بین المللی فیلم مستند ایران

زیر نظر روابط عمومی مرکز گسترش سینمای مستند تجربی

در آینه رسانه

دست رسانه‌ها در دست مستندسازان

هنوز مراسم افتتاحیه جشنواره تمام نشده بود که بسیاری از خبرگزاری‌ها و سایت‌های خبری اتفاقات و برنامه‌های آن را روی خروجی‌شان قرار دادند. پوشش کامل برنامه‌های روز اول از سوی رسانه‌ها نشان از اهتمام همکاران مطبوعاتی مان به این اتفاق مهم دارد.

یک گزارش خواندنی

در میان خبرگزاری‌ها، ایسنا جزئیات بیشتری از برنامه‌ها و اتفاقات روز اول منتشر کرد. این گزارش خواندنی به خوبی گویای حال‌وهوای روز اول جشنواره بود. خبرگزاری تسنیم هم سراغ دبیر جشنواره رفت و از تفاوت این دوره با دوره‌های قبل پرسید. سید محمدمهدی طباطبایی‌نژاد از آخرین تغییرات و وضعیت جشنواره به خبرنگار این خبرگزاری گفت و توضیحاتی درباره آینده جشنواره ارائه کرد.

افتتاحیه‌ای با لبخند و بدون سخنرانی

خبرگزاری مهر ضمن پوشش برنامه‌ها، مثل بسیاری از رسانه‌ها ایده برپایی افتتاحیه‌ای ساده و صمیمی را تیتراژش کرد و نوشت: هفتمین جشنواره سینماحقیقت با لبخند و بدون سخنرانی آغاز شد. روزنامه اعتماد هم این افتتاحیه را نکته مثبت روز اول عنوان کرد.

چه ببینیم؟

سایت تبیان وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی گزارشی مفصل درباره فیلم‌های جشنواره روی خروجی‌اش قرار داد و ضمن تشریح بخش‌های مختلف جشنواره برخی آثار را به عنوان پیشنهاد برای تماشا معرفی کرد. روزنامه وطن امروز هم گزارش یک صفحه‌اش را به فیلم‌های بخش انقلاب و دفاع مقدس اختصاص داد و به مخاطبانش توصیه کرد تماشای آن‌ها را از دست ندهند. دست رسانه‌ها در دست مستندسازان است.

خاطراتی: تکان‌دهنده برای همیشه تاریخ

در میان مستندهای مهمی که امروز به نمایش درمی‌آیند نام خاطراتی برای تمام فصول» هم به چشم می‌خورد این مستند که مورد ستایش فلامسازان داخلی از جمله خسرو سینایی و اکبر عالی قرار گرفته از مصطفی رزاق کریمی کارگردانی کرده «خاطراتی برای تمام فصول» مستندی تکان‌دهنده درباره جانبازان شیخانی است که ساعت ۲۰ در سالن شماره یک سینما فلسطین اکران می‌شود. این مستند حاصل مشاهده عینی رزاق کریمی از وضعیت جانبازان کثرومان در اتریش است. خودش می‌گوید: «سی سال پیش وقتی در اتریش بودم، متوجه شدم مدتی است جنگ در ایران آغاز شده و تعدادی از مصدومان شیخانی به اتریش آمده‌اند. بعد از مدتی به بیمارستان رفتم، با خاطرات جانبازان آشنا شدم و از همصحبتی با آنها اطلاعات بسیاری به دست آوردم و تا جایی که امکان داشت این وقایع را با دوربین ثبت و ضبط کرده»